

The Impact of Interest Rate, Investment, Inflation and Consumption and on GDP of Selected SAARC Member Countries (India, Pakistan, Bangladesh and Sri Lanka) from 2001 to 2022

Abdul Zakir Nabil¹ , Mohammad Hassan Hassani²  Farhad Behrangi³ 

1. Development Economics Student, Faculty of Economics, Kateb University, Kabul, Afghanistan. (Corresponding Author) Email: nabilzakir6@gmail.com
2. Lecturer, Faculty of Economics, Kateb University, Kabul, Afghanistan. Email: Mhassanhassani1992@gmail.com
3. Lecturer, Faculty of Economics, Taj University, Balkh, Afghanistan. Email: Farhad4639@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 18/08/2025
Received in revised form:
31/08/2025
Accepted: 13/09/2025
Available online :
21/09/2025

Keywords:

GDP, Interest Rate,
Investment, Inflation,
Consumption, SAARC


ABSTRACT

Economic growth, as a main objective of macroeconomic policymaking in developing countries, necessitates a precise identification of the key macroeconomic determinants of GDP. This study investigates the effects of interest rates, investment, inflation, and consumption on the GDP of selected SAARC countries (India, Pakistan, Bangladesh, and Sri Lanka) over the period 2001–2022. The empirical analysis employs a panel data framework; following stationarity tests and the absence of evidence for a long-run equilibrium relationship among the variables, the model is estimated in first differences using the fixed effects specification. To ensure efficiency and reliability of the estimated coefficients, the EGLS method with Panel-Corrected Standard Errors (PCSE) is applied. The results indicate that investment exerts a positive and statistically significant impact, whereas inflation has a negative and significant effect on GDP in the studied countries; in contrast, interest rates and consumption do not exhibit statistically significant effects on economic growth during the analyzed period. Overall, the findings underscore the crucial role of productive investment and the necessity of maintaining price stability as fundamental preconditions for sustainable economic growth in South Asia, providing an empirical basis for evidence-informed economic policymaking in the region.

Cite this article: Nabil, A. Hassani, M. & Behrangi, F. (2025). The Impact of Interest Rate, Investment, Inflation and Consumption and on GDP of Selected SAARC Member Countries (India, Pakistan, Bangladesh and Sri Lanka) from 2001 to 2022, *Kateb Journal of Economics and Management*, 4 (1), 147-161.



تأثیر نرخ بهره، سرمایه‌گذاری، تورم و مصرف بر تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب عضو سارک (هند، پاکستان، بنگلادیش و سریلانکا) در دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۲

عبدالذاکر نیبل^۱ ، محمد حسن حسنی^۲ ، فرهاد بهرنگی^۳ 

۱. محصل اقتصاد توسعه، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون کاتب، کابل، افغانستان. (نویسنده مسئول)

ایمیل: nabilzakir6@gmail.com

۲. استاد پوهنځی اقتصاد، پوهنتون کاتب، کابل، افغانستان.

ایمیل: Mhassanhassani1992@gmail.com

۳. کادر علمی پوهنځی اقتصاد، پوهنتون تاج، بلخ، افغانستان.

ایمیل: Farhad4639@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

رشد اقتصادی به‌عنوان یکی از اهداف اساسی سیاست‌گذاری کلان در کشورهای در حال توسعه، مستلزم شناسایی دقیق عوامل کلان مؤثر بر تولید ناخالص داخلی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر نرخ بهره، سرمایه‌گذاری، تورم و مصرف بر تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب عضو سارک (هند، پاکستان، بنگلادیش و سریلانکا) در دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۲ م. انجام شده است. تحلیل تجربی با بهره‌گیری از رویکرد داده‌های پانلی صورت گرفت؛ به‌طوری‌که پس از بررسی ایستایی متغیرها و عدم تأیید رابطه تعادلی بلند مدت میان آن‌ها، مدل در قالب تفاضل اول و با استفاده از الگوی آثار ثابت برآورد گردید. به‌منظور دستیابی به ضرایب کارا، روش EGLS همراه با خطاهای استاندارد اصلاح‌شده پانلی (PCSE) به کار گرفته شد. نتایج برآوردها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری اثر مثبت و معنادار و تورم اثر منفی و معناداری بر تولید ناخالص داخلی کشورهای مورد مطالعه دارد؛ درحالی‌که نرخ بهره و مصرف در دوره مورد بررسی از نظر آماری تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی نشان نمی‌دهند. در مجموع، یافته‌های پژوهش بر نقش محوری سرمایه‌گذاری مولد و ضرورت حفظ ثبات قیمتی به‌عنوان پیش‌شرط‌های اساسی تحقق رشد اقتصادی پایدار در کشورهای جنوب آسیا تأکید دارد و می‌تواند مبنایی علمی برای تدوین سیاست‌های اقتصادی در این کشورها فراهم آورد.

نوع مقاله:

مقاله تحقیقی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

تاریخ ارزیابی: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

واژه‌های کلیدی:

تولید ناخالص داخلی، نرخ بهره، سرمایه‌گذاری، تورم، مصرف، سارک.

استناد: نیبل، عبدالذاکر، حسنی، محمد حسن، و بهرنگی، فرهاد (۱۴۰۴). تأثیر نرخ بهره، سرمایه‌گذاری، تورم و مصرف بر تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب عضو سارک (هند، پاکستان، بنگلادیش و سریلانکا) در دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۲.

دوفصلنامه اقتصاد و مدیریت کاتب، ۴ (۱)، ۱۶۱-۱۴۷.

ناشر: پوهنتون کاتب.



© نویسندگان.

مقدمه

رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاری کلان در کشورهای در حال توسعه به‌شمار می‌رود و به‌عنوان شاخصی جامع، وضعیت تولید، اشتغال و رفاه اقتصادی را منعکس می‌سازد. در ادبیات اقتصاد کلان، تولید ناخالص داخلی به‌عنوان معیار اصلی سنجش رشد اقتصادی، نتیجه تعامل متغیرهای پولی و واقعی است که هریک از طریق سازکارهای متفاوت بر عملکرد اقتصادی اثر می‌گذارند. از این رو، تبیین ارتباط میان این متغیرها و رشد اقتصادی، برای طراحی سیاست‌های کارآمد اقتصادی از اهمیت اساسی برخوردار است. نرخ بهره به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی سیاست پولی از طریق تأثیر بر هزینه تأمین مالی سطح سرمایه‌گذاری و انگیزه پس‌انداز نقش اساسی در رشد اقتصادی کشورهای منتخب عضو سارک دارد؛ به همین شکل سرمایه‌گذاری در قالب تشکیل سرمایه ثابت ناخالص محرک اصلی توسعه اقتصادی به‌شمار می‌رود. (Ndubuisi, G. N. 2015)، مصرف نیز به‌عنوان نیروی محرک تقاضای کل فعالیت‌های تولیدی و تجاری را تقویت می‌بخشد. (Keynes, 1936) به همین شکل نرخ تورم می‌تواند تأثیر متقابل و بعضاً نامتقارن بر رشد اقتصادی داشته باشد. (Fischer, 1993) از این منظر، بررسی هم‌زمان متغیرهای پولی و واقعی، امکان تحلیل جامع‌تری از عوامل مؤثر بر تولید ناخالص داخلی را فراهم می‌سازد. منطقه جنوب آسیا با داشتن جمعیتی بیش از ۱.۹ میلیارد نفر، یکی از پرجمعیت‌ترین مناطق اقتصادی جهان محسوب می‌شود. اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا (SAARC)، در سال ۱۹۸۵ م. با هدف ارتقای همکاری‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی میان کشورهای عضو تأسیس گردید که شامل هند، پاکستان، بنگلادیش، سریلانکا، نیپال، بوتان و مالدیف می‌باشد. در این میان کشورهای هند، پاکستان، بنگلادیش و سریلانکا سهم عمده‌ای در تولید، تجارت و پویایی اقتصادی منطقه‌ای دارند. (IMF, 2022) بادرک چنین شرایط، مطالعه تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخص جامع عملکرد اقتصادی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این متغیر نه تنها بازتاب دهنده میزان تولید کالا و خدمات نهایی است، بلکه بیانگر سطح کارایی سیاست‌های اقتصادی و مسیر رشد پایدار کشورها نیز می‌باشد. (Mankiw, 2019)

هدف این تحقیق بررسی تأثیر نرخ بهره، سرمایه‌گذاری، تورم و مصرف بر تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب عضو سارک (هند، پاکستان، بنگلادیش و سریلانکا) طی دوره زمانی ۲۰۰۱ الی ۲۰۲۲ می‌باشد و ضرورت انجام این تحقیق از آن رو است که منطقه سارک علی‌رغم اشتراکات فرهنگی و اقتصادی، کمتر مورد توجه مطالعات تطبیقی در حوزه اقتصاد کلان قرار گرفته است. بررسی روند و نوسانات تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب عضو سارک می‌تواند درک عمیق‌تری از ساختار تولید، رفتار مصرفی و کارایی سیاست‌های توسعه‌ای را در این کشورها فراهم کنند. در شرایطی که هریک از این کشورها با سیاست‌های متفاوتی در حوزه پولی و مالی مواجه‌اند، درک آثار هم‌زمان متغیرهای نرخ بهره، مصرف، سرمایه‌گذاری و تورم می‌تواند تصویر روشنی از پویایی‌های اقتصادی منطقه ارائه دهد. نتایج این تحقیق می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاران اقتصادی، بانک‌های مرکزی، نهادهای سرمایه‌گذاری، و سازمان‌های منطقه‌ای برای طراحی سیاست‌های مبتنی بر شواهد باشد.

۲. مبانی نظری

رشد اقتصادی یکی از مفاهیم بنیادی در علم اقتصاد و از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش عملکرد کلان اقتصادی کشورها به شمار می‌رود. این مفهوم معمولاً به صورت افزایش مستمر تولید ناخالص داخلی واقعی در طول زمان تعریف می‌شود و بیانگر توانایی یک اقتصاد در افزایش ظرفیت تولید کالاها و خدمات، بهبود سطح رفاه اجتماعی، کاهش فقر و ایجاد فرصت‌های شغلی است. (Barro & Martin, 2004) تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص محوری برای سنجش سلامت و عملکرد اقتصاد ملی، بازتاب دهنده ارزش پولی تمام کالاها و خدمات نهایی تولید شده در یک دوره زمانی مشخص است. (Investopedia, 2013) در اقتصاد نوین تحلیل متغیر تولید ناخالص داخلی به عنوان یک پدیده پویا تحت تأثیر متقابل سیاست پولی، الگوی مصرفی و انباشت سرمایه قرار گرفته است. نوسانات تولید ناخالص داخلی تنها نتیجه تغییرات در نهاده‌های تولید نیست، بلکه به شدت از نحوه واکنش متغیرهای کلان اقتصادی به شوک‌های بیرونی و سیاست‌های تثبیت کننده تأثیرپذیر است. (Daoui, 2023)

در ادبیات اقتصادی، رشد اقتصادی یک پدیده چند بعدی است که تحت تأثیر مجموعه‌ای از متغیرهای کلان اقتصادی از جمله سرمایه‌گذاری، مصرف، تورم و نرخ بهره قرار دارد. نظریه‌های مختلف اقتصادی، سازکارهای متفاوتی را برای تبیین رابطه میان این متغیرها و رشد اقتصادی ارائه می‌کند. (Mankiw, 2020) در این تحقیق، مبانی نظری بر پایه سنتز نوین کینزی و نظریات رشد درونزا استوار است تا چگونگی تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر خروجی کل توضیح داده شود.

در نظریات رشد درونزا، سرمایه‌گذاری موتور محرک ارتقای بهره‌وری است، طبق این نظریه، انباشت سرمایه فیزیکی تنها زمانی منجر به رشد تولید ناخالص داخلی می‌گردد که با تحریک خلاق و جایگزینی فرایندهای کالا همراه باشد. سرمایه‌گذاری از این منظر نه تنها ظرفیت تولید را افزایش می‌دهد، بلکه با ایجاد سرریزهای مثبت دانش، نرخ رشد بلند مدت را از حالت ایستا خارج می‌کند. (Aghion & Howitt, 2009) طبق نظریه سنتز نوین کینزی و میکانیزم انتقال نرخ بهره، یکی از ابزارهای کلیدی برای مدیریت شکاف تولید نرخ بهره است. (Woodford, 2003) فورد با ارائه مدل تعادل نوین، تبیین می‌کند که به دلیل چسبندگی قیمت‌ها در کوتاه مدت، تغییر در نرخ بهره اسمی منجر به تغییر در نرخ بهره واقعی می‌شود و از طریق تغییر در هزینه فرصت سرمایه و مخارج استقرایی، مستقیماً سطح فعالیت‌های تولیدی و در نتیجه تولید ناخالص داخلی را متأثر می‌سازد. افزایش نرخ بهره در این نظریه، با کاهش ارزش فعلی درآمدهای آتی، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری را سرکوب و منجر به انقباض اقتصادی می‌گردد. برخلاف فرضیه درآمد دایمی مدل‌های کلاسیک، نظریات اقتصادی نوین در چهارچوب تئوری پس انداز احتیاطی، تبیین می‌کند که در محیط‌های اقتصادی نا اطمینانی بالا، مصرف کنندگان تمایل دارند بخشی از درآمد خود را برای مقابله با شوک‌های آینده ذخیره کنند. این رفتار منجر به کاهش تقاضای کل و در نتیجه تضعیف رشد تولید ناخالص داخلی می‌شود. طبق این نظریه، مصرف نه تنها تابع درآمد نیست، بلکه به شدت از میزان اطمینان مصرف کننده نسبت به ثبات نرخ بهره و تورم تأثیرپذیر می‌گردد. (Carroll, 2001) تورم به عنوان مالیات پنهان بر موجودی‌های نقدی عمل می‌کند و با مخدوش کردن علایم قیمتی، کارایی تخصیص

منابع را از بین می‌برد. در سطوح بالا، تورم منجر به کوتاه شدن افق برنامه‌ریزی اقتصادی شده و با کاهش بازدهی واقعی سرمایه‌گذاری، پیوند میان بخش پولی و رشد حقیقی تولید ناخالص داخلی را گسسته و منجر به زوال اقتصادی می‌گردد. (Acemoglu, 2005)

۳. پیشینه تحقیق

رشد اقتصادی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاری کلان، نقش اساسی در بهبود سطح رفاه، کاهش فقر، ایجاد اشتغال و ارتقای ثبات اجتماعی ایفا می‌کند. (Barro, 2020; Todaro & Smith, 1991) در کشورهای در حال توسعه و نوظهور، بویژه کشورهای عضو سارک، دستیابی به رشد اقتصادی پایدار با چالش‌های ساختاری، نوسانات کلان اقتصادی و شوک‌های درونی و بیرونی مواجه است. ادبیات اقتصادی نشان می‌دهد که در کنار عوامل خارجی نظیر تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، متغیرهای کلان داخلی از جمله نرخ بهره، سرمایه‌گذاری، مصرف و تورم نقش تعیین‌کننده‌ای در توضیح رفتار تولید ناخالص داخلی و مسیر رشد اقتصادی دارند. (Mankiw, 2020; Daoui, 2023)

(Dash, et al, 2024)، در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل تأثیر وجوه ارسالی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نرخ تورم بر تولید ناخالص داخلی با استفاده از مدل پانلی ADF و VAR، یک مطالعه تطبیقی بین کشورهای بنگلادیش، پاکستان و سریلانکا را انجام داده‌اند، این مقاله نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، وجوه ارسالی و نرخ تورم بنگلادیش و سریلانکا به رؤیت مدل خود رگرسیونی هیچ تأثیر معناداری بر تولید ناخالص داخلی ندارد، و مدل BEKK-GARCH نشان می‌دهد که سه کشور به استثنای وجوه ارسالی پاکستان و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بنگلادیش هم انتقال یک طرفه و هم دوطرفه نوسانات دارند.

(Chowhudari, et al, 2011)، در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی رابطه بین تورم و رشد تولید ناخالص داخلی در چهار کشور جنوب آسیا (بنگلادیش، هند، سریلانکا و پاکستان) پرداخته است. این مقاله یک مقایسه شواهد تجربی است و از مدل تصحیح خطا استفاده شده، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که یک رابطه مثبت بلند مدت بین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و تورم در کشورهای تحت بررسی وجود دارد و هم‌کذا یافته‌ها نشان می‌دهد که تورم متوسط برای رشد مفید است اما رشد اقتصادی سریعتر به تورم عکس‌العمل یا پاسخ می‌دهد.

(pitambar, 2024)، در مقاله‌ای تحت عنوان شاخص‌های پولی و رشد اقتصادی کشورهای عضو سارک با استفاده از داده‌های پانل و مدل POLS، دریافته‌اند که میان نرخ بهره و رشد اقتصادی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد در حالی که بین عرضه پول، نرخ تورم، نرخ ارز و رشد اقتصادی رابطه منفی وجود دارد، همچنین یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در بین متغیرها نرخ ارز مؤثرترین متغیر است و کشورهای عضو سارک باید نرخ ارز را در نظر بگیرند.

(valentine et al, 2024)، در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر نرخ بهره، مصرف، سرمایه‌گذاری و تورم بر تولید ناخالص داخلی اندونزی با استفاده از مدل ARDL دریافتند که سرمایه‌گذاری نقش حیاتی بر تأثیرگذاری تولیدات ناخالص داخلی اندونزی چه در کوتاه مدت و چه در بلند مدت ایفا می‌کند در حالی که

نرخ تورم و نرخ بهره با در نظر داشت زمانی تأثیرات بیشتری بر تولیدات ناخالص داخلی کشور اندونیزیا دارد.

(Ahmad, et al, 2020)، در مطالعه تجربی با تمرکز بر بنگلادیش و پاکستان، تأثیر مصرف خصوصی، سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص و تورم بر تولید ناخالص داخلی را با استفاده از مدل VECM بررسی کردند. نتایج حاکی از وجود رابطه تعادلی بلندمدت میان متغیرها بوده و نشان می‌دهد که مصرف خصوصی و سرمایه‌گذاری نقش محرک اصلی رشد اقتصادی را ایفا می‌کنند، در حالی که تورم بالا موجب تضعیف رشد اقتصادی می‌شود.

(Tan Huu Nguyen, 2025) در مقاله‌ای نرخ بهره و رشد اقتصادی، با استفاده از مدل ARDL پانلی، به بررسی تأثیر متقابل پویا میان نرخ بهره، تورم و رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای جنوب شرق آسیای پرداخته است، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که یک رابطه مستحکم و درازمدت میان نرخ بهره سپرده، نرخ بهره وام، شاخص قیمت مصرف‌کننده و رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای تحت بررسی وجود دارد همچنان نتایج نشان می‌دهد که نرخ‌های بهره، تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد. (Rahman, 2022)، در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در کشورهای جنوب آسیا، با استفاده از داده‌های پانلی و مدل PMG-ARDL طی دوره ۱۹۹۸ تا ۲۰۲۰، نشان دادند که سرمایه‌گذاری، مصرف و ثبات نرخ تورم از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای عضو سارک هستند. این مطالعه تأکید می‌کند که اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر رشد، در شرایط بحران‌های اقتصادی جهانی تشدید می‌شود.

(Tanveer et al, 2023)، در مقاله‌ای تحت عنوان شاخص‌های رشد اقتصاد کلان با استفاده از داده‌های پنل در کشورهای جنوب آسیا انجام شده، مدل به کار رفته آمار خطی پنل ایستا برای تعیین متغیرهای کلان اقتصادی بدون تورش بر تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو سارک چون بنگلادیش، هند، پاکستان و نیپال استفاده شده است، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که سطح جمعیت، درآمد عمومی دولت، تورم (میانگین قیمت مصرف‌کننده) تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد.

(Akram, M., et al 2011)، در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی در کشورهای عضو سارک با استفاده از داده‌های پانلی در دوره ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۹ پرداخته است. در این تحقیق، رشد تولید ناخالص داخلی به‌عنوان متغیر وابسته و متغیرهایی نظیر سرمایه‌گذاری داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بدهی کل و تورم به‌عنوان متغیرهای مستقل وارد مدل شدند. نتایج حاصل از برآورد مدل Pooled OLS نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری داخلی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای سارک دارد، در حالی که تورم و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر منفی بر رشد اقتصادی برجای می‌گذارند. (Hameed et al, 2021)، در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل تجربی تأثیر بدهی خارجی و داخلی بر رشد اقتصادی کشورهای سارک با استفاده از داده‌های پانلی و مدل ARDDL در دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ پرداخته و یافته‌های تحقیق تجربی نشان می‌دهد که، بدهی خارجی و داخلی هر دو در کوتاه مدت و بلند مدت بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارند، این امر به وضوح نشان می‌دهد که دولت‌ها در بهره

برداری مولد و مناسب از منابع وام گرفته شده داخلی یا خارجی شکست خورده‌اند، کشورهای مورد بررسی به دلیل پایه مالیاتی شکننده و کسری‌های بودجه‌ای رو به رشد، به طور مداوم به بدهی‌های خارجی و داخلی تکیه کرده است، که این امر پیامد جدی به رشد اقتصادی این کشورها داشته است.

(Siddik, M. N. A. 2023)، در مقاله‌ای تحت عنوان نقش ثبات اقتصاد کلان در رشد اقتصادی کشورهای عضو سارک را بررسی کرده است. این مطالعه با استفاده از داده‌های پانلی در دوره ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۰ و به‌کارگیری روش‌های Pooled OLS، آثار ثابت و GMM نشان می‌دهد که تورم بالا و بی‌ثباتی اقتصاد کلان اثر منفی و معناداری بر رشد تولید ناخالص داخلی دارد. در مقابل، توسعه مالی و افزایش اعتبار بخش خصوصی موجب تقویت رشد اقتصادی می‌شود. یافته‌های این تحقیق تأکید می‌کند که کنترل تورم و ایجاد ثبات اقتصادی پیش شرط اساسی برای رشد پایدار در کشورهای سارک است.

(Nasir, M., et al. 2018)، در مقاله‌ای تحت عنوان، رابطه میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کیفیت حکمرانی و رشد اقتصادی را در کشورهای عضو سارک در دوره ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵ بررسی کردند. نتایج حاصل از داده‌های پانلی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌تنهایی اثر قوی و معناداری بر رشد تولید ناخالص داخلی ندارد، اما در تعامل با شاخص‌های حکمرانی، می‌تواند اثر مثبت و تقویت‌کننده‌ای بر رشد اقتصادی داشته باشد. این مطالعه بیان می‌کند که نبود ثبات نهادی در بسیاری از کشورهای سارک، مانع جذب مؤثر سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال آن به رشد اقتصادی شده است.

(Zahid et al, 2015) در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر اقتصادی کلان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛ مطالعه‌ای بر کشورهای سارک، با استفاده از روش‌های همبستگی و رگرسیون ساده در دوره زمانی ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۱ پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اگر جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به یک کشور وارد شود، سطح تولید ناخالص داخلی، تورم، درآمد دولت، ذخیره خارجی و تشکیل سرمایه ناخالص آن کشور نیز انتظار می‌رود افزایش یابد و از طرف دیگر اگر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش یابد، تراز حساب جاری انتظار می‌رود کاهش یابد.

تحقیقات تجربی انجام یافته در کشورهای عضو سارک، نشان می‌دهد که رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، بویژه کشورهای عضو سارک، پدیده‌ای چندبعدی و متأثر از مجموعه‌ای از متغیرهای کلان اقتصادی، نهادی و ساختاری است. مطالعات بررسی‌شده حاکی از آن است که متغیرهایی نظیر نرخ بهره، سرمایه‌گذاری، مصرف و تورم، اگرچه در چهارچوب‌های نظری مختلف تحلیل شده‌اند، اما در اغلب موارد نقش معناداری در توضیح رفتار تولید ناخالص داخلی و مسیر رشد اقتصادی این کشورها ایفا می‌کنند. بخش قابل توجهی از تحقیقات تجربی بر اهمیت سرمایه‌گذاری (اعم از داخلی و ثابت ناخالص) و مصرف بخش خصوصی به‌عنوان محرک‌های اصلی رشد اقتصادی تأکید دارند. مطالعاتی مانند احمد و همکاران (۲۰۲۰)، والتاین و همکاران (۲۰۲۴) و رحمان و علی (۲۰۲۲) نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری و مصرف، چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت، اثر مثبت و معناداری بر تولید ناخالص داخلی دارند. مطالعات (مانند چودری و همکاران، ۲۰۰۱؛ تنویر و همکاران، ۲۰۲۳) نشان می‌دهد که تورم در سطوح متوسط می‌تواند با رشد اقتصادی رابطه مثبت داشته باشد. یافته‌های اثر نرخ بهره عمدتاً وجود رابطه معنادار با رشد اقتصادی را

نشان می‌دهد، اما جهت این رابطه به ساختار مالی و کارایی بازارهای پولی بستگی دارد. با این حال، جدید بودن این تحقیق، از آن جهت است که بر خلاف مطالعات پیشین که بیشتر تک متغیره یا کوتاه مدت بوده است، این تحقیق به بررسی اثر همزمان چهار متغیر کلان اقتصادی بر تولید ناخالص داخلی در کشورهای منتخب عضو سارک (هند، پاکستان، بنگلادش و سریلانکا) در دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۲ می‌پردازد. با استفاده از مدل داده‌های پانلی، آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت این متغیرها در شرایط شوک‌های اقتصادی نظیر بحران‌های مالی جهانی و پاندمی کرونا تحلیل شده است. اهمیت این مطالعه در آن است که بررسی همزمان چند متغیر کلان اقتصادی در چنین شرایط بحرانی، موضوعی است که تاکنون در ادبیات تجربی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۴. روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق، به منظور بررسی تأثیر نرخ بهره، سرمایه‌گذاری، تورم و مصرف بر تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب عضو سارک (هند، پاکستان، بنگلادش و سریلانکا) در دوره زمانی ۲۰۰۱ الی ۲۰۲۲، از روش‌های اقتصادی سنجی و مدل‌های پانلی استفاده شده است و داده‌های مربوط به این تحقیق از منابع معتبری چون بانک جهانی استخراج گردیده است.

تحلیل داده‌های این مقاله با استفاده از نرم افزار EViews 12 اجرا گردیده است و برای اطمینان از اعتبار نتایج، آزمون‌های ریشه واحد، آزمون هم‌انباشتگی کائو، آزمون آثار ثابت، آزمون اف-لیمر، آزمون وابستگی متقابل مقطعی (Pesaran CD) استفاده شده است. نتایج آزمون‌ها نشان می‌دهد که مدل آثار ثابت (Fixed Effects Model) مناسب‌ترین مدل برای این تحقیق است. به‌منظور اطمینان از پایداری و اعتبار ضرایب برآورد شده، از روش EGLS با تصحیح خطای استاندارد پانل-اصلاح شده-Panel (Corrected Standard Errors - PCSE) استفاده شده است. فرم ریاضی مدل تحقیق به شکل زیر تعریف می‌شود:

$$\ln GDP_{it} = \alpha + \beta_1 IR_{it} + \beta_2 INF_{it} + \beta_3 INV_{it} + \beta_4 CONS_{it} + u_{it}$$

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۵-۱. آزمون ریشه واحد پانل

به منظور بررسی ایستایی متغیرهای مورد استفاده در مدل‌های اقتصاد سنجی پانل و جلوگیری از بروز برآوردهای کاذب، آزمون‌های ریشه واحد پانل برای تمام متغیر اجرا شده است. آزمون‌های به کار رفته شامل آزمون لیوین-لین-چاو (LLC) برای فرض وجود فرایند ریشه واحد مشترک، و آزمون‌های ADF و PP به روش فیشر برای تلفیق نتایج آزمون‌های کلاسیک سری‌های زمانی در چهارچوب پانل انجام یافته است. نتایج در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۱: نتایج آزمون ریشه واحد پانل برای متغیرهای تحقیق

نتیجه	(Prob) سطح معنا داری	LLC آماره	وضعیت	نماد	متغیر
مانا	0.000***	-۴٫۲۷۴۹	تفاضل اول	D(LOG_GDP)	GDP لوکاریتیم

مانا	0.000***	-۴/۴۴۷۷	تفاضل اول	D(GFCF)	سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص
مانا	0.0101**	-۲/۳۲۲۳	سطح (Level)	INFL	نرخ تورم
مانا	0.000***	-۷/۹۴۶۱	تفاضل اول	D(IR)	نرخ بهره
مانا	0.000***	-۶/۳۱۷۴	تفاضل اول	D(CONSUP)	مصرف نهایی بخش خصوصی

نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیر نرخ تورم در سطح مانا بوده و دارای انباشتگی درجه صفر (۰) می‌باشد. و سایر متغیرها در سطح نامانا بوده و پس از یک بار تفاضل‌گیری مانا گردید و دارای انباشتگی درجه اول (۱) می‌باشد. از این‌که متغیر وابسته $Dlog_gdp$ و سایر متغیرهای مستقل در تفاضل اول مانا شده است. بر این اساس استفاده از مدل رگرسیونی در تفاضل اول منطقی و از لحاظ آماری درست است. با توجه به معناداری آزمون LLC فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد شده و مانایی متغیرها در تفاضل اول تأیید گردید.

۲-۵. آزمون هم‌انباشتگی کائو

پس از بررسی ایستایی متغیرهای و مشخص شدن این‌که اکثر نتایج از مرتبه اول پس از تفاضل‌گیری ایستا می‌باشد و در سطح Level به استثنای تورم که ایستا بوده، بدین اساس از آزمون باقی مانده‌ها کائو استفاده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو برای تعادل بلند مدت

نتیجه آماری	Prob	t آماره	آماره آزمون
عدم هم‌انباشتگی	0.1153	-1.198715	ADF

نتایج حاصله آزمون نشان داد که آماره t -statistic = -1.198715 و سطح احتمال p -value = 0.1153 است که مقدار احتمال بیشتر از سطح ۵٪ است، بنابراین فرضیه صفر رد نمی‌شود و در نتیجه شواهد آماری کافی برای رابطه بلند مدت میان متغیرها مورد مطالعه طی دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۲ در کشورهای جنوب آسیا وجود ندارد. با در نظر داشت این‌که نتایج آزمون مبنی بر عدم هم‌انباشتگی را تأیید می‌کند، متغیرهای تحقیق با تفاضل‌گیری وارد مدل می‌شود.

۳-۵. آزمون آثار ثابت

باتوجه به نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو که بر عدم وجود رابطه تعادلی بلندمدت میان متغیرها دلالت داشت. بنابراین به منظور جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب و دستیابی به نتایج پایا، مدل تحقیق بر اساس تفاضل اول متغیرها طرح گردید تا آثار کوتاه مدت و نرخ رشد متغیرها مورد سنجش قرار گیرد. بر این اساس استفاده از مدل ECLS-PCSE کاراترین مدل برای تشخیص ضرایب رگرسیون با وجود ناهمسانی واریانس و همبستگی میان مقاطع می‌باشد. لذا قبل از آزمون این مدل لازم دیده می‌شود ساختار داده‌های پانل از نظر تفاوت‌های فردی بررسی شود. بر این اساس از آزمون آثار ثابت استفاده گردید.

جدول ۳. آزمون آثار ثابت

متغیر مستقل	ضریب (Coefficient)	آماره	سطح معناداری (prob)
C عرض از مبدا	۰/۰۵۰۱۱۴	۲۰/۶۹۹	0.0000***
DGFCF سرمایه گذاری	۰/۰۱۳۳۸۶	۵/۹۳۲	0.0000***
DINFL تورم	-۰/۰۰۱۵۰۲	-۳/۲۱۹	0.0019**
DIR نرخ بهره	-۰/۰۰۰۱۰۸	-۰/۰۷۲	0.9428
DCONSUP مصرف	-۱/۲۱E-۰۵	-۰/۰۰۶	0.9046

نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای سرمایه‌گذاری و تورم حتی با کنترل ویژگی‌های منحصر به فرد کشورها همچنان در سطح اطمینان ۹۹٪ معناداری است. ضریب تعیین R^2 درین مدل برابر با ۰.۵۰ است که نشان می‌دهد ۵۰٪ از تغییرات رشد اقتصادی توسط متغیرهای مستقل و آثار ثابت کشوری توضیح داده شده است. آماره دوربین واتسن برای با ۱.۷۷ نشان دهنده نبود خود همبستگی شدید در باقی‌مانده‌های این مدل است.

۴-۵. آزمون اف-لیمر

باتوجه به ماهیت داده‌های پانلی مورد استفاده در این تحقیق و به منظور تعیین مناسب بودن مدل تلفیقی (Pooled OLS) در مقایسه با مدل آثار ثابت (Fixed Effects) از آزمون اف لیمر استفاده شده است. این آزمون بررسی می‌کند که آیا تفاوت‌های مقطعی میان کشورهای مورد مطالعه معنادار و آیا لازم است در قالب آثار ثابت در مدل لحاظ شوند یا خیر. در صورت رد فرض صفر، مدل آثار ثابت نسبت به مدل تلفیقی ارجحیت خواهد داشت.

جدول ۴. نتایج آزمون لیمر

شاخص آماری	مقدار (value)	نتیجه گیری علمی
لیمر F آزمون (Chow Test)	۳/۳۰۴۶	تأیید مدل آثار ثابت

نتایج آزمون اف-لیمر نشان می‌دهد که مقدار آماره آزمون برابر با ۳.۳۰۴۶ و از مقدار بحرانی توزیع F در سطح خطای ۵٪ بزرگ است، لذا فرض صفر مبنی بر مناسب بودن مدل تلفیقی رد گردید و در نتیجه وجود تفاوت‌های مقطعی معنادار بین کشورها تأیید و مدل آثار ثابت من حیث بهترین مدل تأیید گردید. از سوی دیگر از آنجایی که تعداد مقاطع تحقیق کوچک‌تر از تعداد ضرایب می‌باشد، فلذا آزمون هاسمن انجام نگرفت.

۵-۵. آزمون وابستگی متقابل مقطعی

در داده‌های پانل، فرض استقلال مقاطع (عدم همبستگی باقی مانده‌ها بین واحدهای مقطعی)، یکی از فروض اساسی بسیار از مدل‌های پانل است، اما در بسیاری از کاربردهای اقتصادی کشورها با واحدهای مطالعاتی در معرض شوک‌های مشترک یا تأثیرات مقطعی قرار دارد که منجر به وابستگی مقطعی می‌شود.

اگر این وابستگی نادیده گرفته شود، ضرایب برآورد شده از لحاظ آماری کارا نیستند و احتمال خطای نوع اول در آزمون‌های آماری افزایش می‌یابد، بویژه زمانی که تعداد مقاطع کم و دوره‌های زمانی نسبتاً زیاد باشد. (همانند تحقیق حاضر) استفاده از آزمون‌های کلاسیک مانند Breusch-pagan LM برای تشخیص همبستگی مقطعی محدودیت‌هایی دارد، در این شرایط، آزمون Pesaran CD یا آزمون وابستگی متقابل مقطعی که بر مبنای مرکز دهی همبستگی‌های جفتی باقی مانده‌ها عمل می‌کند، از روایی بیشتری برخوردار است و می‌تواند در نمونه‌های کوچک نیز کارا باشد. (Pesaran, 2004)

در این آزمون فرض صفر مبنی بر عدم وجود همبستگی مقطعی در باقی مانده‌ها را بررسی می‌کند و آماره‌های متفاوتی درین آزمون گزارش می‌شود که به شکل زیر است:

الف: Breusch-pagan LM - آزمون کلاسیک بر مبنای جمع مربعات همبستگی‌های جفتی

ب: Pesaran scaled LM - نسخه مقیاس یافته برای T و N کوچک

ج: Pesaran CD - آماره اصلی بر مبنای میانگین همبستگی‌های باقی مانده

ذیلاً نتایج آزمون‌های فوق برای هر سه ساختار مدل ارائه می‌گردد.

جدول ۵- آزمون وابستگی متقابل مقطعی

Test	Statistic	d.f.	Prob.
Breusch-Pagan LM	۴/۰۷۶۱۳	6	۰/۶۶۶۴
Pesaran scaled LM	۰/۵۵۵۳۷		۰/۵۷۸۶
Pesaran CD	۱/۲۷۲۶۲		۰/۲۰۳۲

با توجه به این که تمام مقادیر prob در هر سه آزمون بزرگتر از سطح خطای (۰.۰۵)، است. لذا فرضیه صفر مبنی بر وابستگی مقطعی رد نمی‌شود. این یافته نشان می‌دهد که شوک‌های وارد شده به هریک از کشورهای منتخب عضو سارک، بر ساختار خطای سایر کشورها تأثیر معناداری ندارد و نتایج خروجی از مدل اعتبار بالایی برخوردار است.

۵-۶ تحلیل مدل رگرسیونی EGLS-PCSE

در تحلیل داده‌های پانل در حالات که تعداد مقاطع محدود و دوره زمانی میان مدت باشد. استفاده از تخمین زنده OLS ممکن است به دلیل وجود ناهمسانی واریانس (Heteroscedasticity) و وابستگی مقطعی منجر به نتایج تورش گردد و از طرف دیگر نتایج آزمون کائو نشان داد که رابطه تعادلی بلندمدت میان متغیرها وجود ندارد. لذا برای دستیابی به ضرایب کارا و قابل اعتماد از روش EGLS panel با استفاده از تکنیک خطاهای استاندارد اصلاح شده (PCSE) استفاده گردید. به کارگیری این روش به دلیل رفع ناهمسانی واریانس و کنترل وابستگی مقاطع انجام شده است.

جدول ۶- نتایج تخمین مدل با استفاده از EGLS-PCSE

متغیر مستقل	ضریب (Coefficient)	آماره t	سطح معناداری (prob)
C عرض از مبدا	۰/۰۵۷۳	۱۹/۵۴	0.0000***
DGFCF سرمایه گذاری	۰/۰۱۲۴	۴/۹۳۹	0.0001***

DINFL تورم	-۰/۰۰۱۰	-۳/۱۷	0.0022**
DIR نرخ بهره	۲/۲۰E-05	۰/۰۱۵	۰/۹۸۷۳
DCONSUP مصرف	-۰/۰۰۱۰	-۰/۵۹۷	۰/۵۵۱۹

نتایج یافته‌های آزمون فوق نشان می‌دهد که ضریب مثبت سرمایه‌گذاری (۰.۱۲)، که با افزایش ۱ درصد سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی، تولید ناخالص داخلی به طور متوسط ۱.۲ درصد افزایش می‌یابد و دقیقاً منجر به بهبود معنادر رشد تولید ناخالص داخلی می‌گردد. همچنان تغییرات نرخ تورم نشان می‌دهد که این متغیر تأثیر منفی و معناداری بر تولید ناخالص داخلی دارد به طوری که افزایش سطح قیمت‌ها از طریق ایجاد نا اطمینانی و اختلال در تخصیص منابع، منجر به کاهش رشد تولید ناخالص داخلی می‌گردد. هکذا عدم معناداری مصرف و نرخ بهره نشان می‌دهد که در دوره زمانی این دو متغیر تأثیر معناداری بر تولید ناخالص داخلی در کشورهای منتخب عضو سارک ندارد. مقدار R^2 برابر با ۰.۴۶ نشان می‌دهد که ۴۶ درصد از تغییرات رشد اقتصادی توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. آماره دوربین واتسن برابر با ۱.۵۵ نشان می‌دهد که در مدل خود همبستگی شدید وجود ندارد همچنان آماره F (معناداری کل رگرسیون) برابر با ۹.۴۸ و با سطح معناداری ۰.۰۰۰ نشان دهنده اعتبار کل مدل است.

۶ نتیجه‌گیری

هدف اصلی این تحقیق، بررسی اثر نرخ بهره، سرمایه‌گذاری، تورم و مصرف بر تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب عضو سارک (هند، پاکستان، بنگلادیش و سریلانکا) در دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۲ با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی داده‌های پانلی بوده است. بدین منظور، پس از جمع‌آوری داده‌ها از منابع معتبر بین‌المللی از نرم‌افزار EViews 12، مجموعه‌ای از آزمون‌های تشخیصی و استنباطی به صورت مرحله‌به‌مرحله اجرا گردید. نتایج آزمون‌های ریشه واحد پانلی و فیشرنشان داد که متغیر نرخ تورم در سطح ایستا بوده، در حالی که سایر متغیرها پس از یک‌بار تفاضل‌گیری به ایستایی دست یافته‌اند. این یافته‌ها بیانگر آن است که اغلب متغیرهای تحقیق از مرتبه انباشتگی یک $I(1)$ هستند. در ادامه، آزمون هم‌انباشتگی کائو حاکی از عدم وجود رابطه تعادلی بلندمدت میان متغیرهای مورد بررسی بود؛ از این رو، به منظور اجتناب از بروز رگرسیون کاذب، مدل تحقیق در قالب تفاضل اول متغیرها و با تمرکز بر آثار کوتاه‌مدت و نرخ رشد متغیرها برآورد شد.

نتایج آزمون F لیمر (Chow Test) با مقدار آماره ۳.۳۰۴۶ نشان داد که تفاوت‌های مقطعی میان کشورهای مورد مطالعه از نظر آماری معنادار است. بدین ترتیب، فرض صفر مبنی بر مناسب بودن مدل تلفیقی رد شده و مدل آثار ثابت به‌عنوان چهارچوب مناسب داده‌های پانلی تأیید گردید. با توجه به محدودیت ساختاری داده‌ها و کمتر بودن تعداد مقاطع نسبت به تعداد ضرایب، امکان اجرای آزمون هاسمن فراهم نبوده و این موضوع به‌صورت شفاف در روش‌شناسی تحقیق تبیین شد. همچنین نتایج آزمون وابستگی متقابل مقطعی Pesaran CD نشان داد که همبستگی معناداری میان خطاهای مقاطع وجود ندارد.

در نهایت با توجه به احتمال وجود ناهمسانی واریانس و به‌منظور دستیابی به ضرایب کارا و استنباط آماری قابل اعتماد، مدل با استفاده از روش PCSE - EGLS برآورد گردید. نتایج این برآورد نشان داد که

سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص اثر مثبت و معناداری بر رشد تولید ناخالص داخلی دارد. در مقابل، تورم دارای اثر منفی و معنادار بر تولید ناخالص داخلی داشت. از سوی دیگر، متغیرهای نرخ بهره و مصرف خصوصی در دوره مورد بررسی، اثر معناداری بر تولید ناخالص داخلی نداشت که می‌تواند ناشی از ساختارهای مالی، ضعف انتقال سیاست پولی یا شرایط خاص اقتصادی این کشورها باشد. به‌طور کلی، یافته‌های این تحقیق تأکید می‌کند که برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار در کشورهای عضو سارک، سیاست‌گذاران باید تمرکز ویژه‌ای بر تقویت سرمایه‌گذاری مولد و کنترل تورم داشته باشند. این تحقیق با به‌کارگیری روش ECLS-PCSE و کنترل ناهمسانی واریانس، شواهد تجربی معتبری را در خصوص عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی در کشورهای جنوب آسیا ارائه می‌دهد و می‌تواند مبنای مناسبی برای مطالعات آتی و طراحی سیاست‌های کلان اقتصادی در این منطقه باشد.

۷. پیشنهادها

با در نظر داشت نتایج یافته‌های تحقیق، پیشنهادها آتی برای بهبود رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو ارائه می‌گردد:

۱. با توجه به اثر مثبت و معنادار سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص بر رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب عضو سارک، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران اقتصادی تمرکز ویژه‌ای بر تقویت سرمایه‌گذاری مولد داشته باشند. ایجاد تسهیلات مالی مناسب، بهبود زیرساخت‌ها و ارتقای محیط کسب‌وکار می‌تواند انگیزه بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی را افزایش دهد و بازدهی سرمایه‌گذاری را بهبود بخشد، که این امر به رشد پایدار اقتصادی منجر خواهد شد.
۲. با توجه به تأثیر منفی و معنادار تورم بر تولید ناخالص داخلی، کنترل سطح عمومی قیمت‌ها و ثبات اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است. بانک‌های مرکزی کشورهای عضو سارک می‌توانند با اعمال سیاست‌های پولی و مالی هدفمند، ایجاد مکانیسم‌های پیشگیرانه در برابر شوک‌های قیمتی و تقویت سیستم‌های نظارتی، سطح تورم را در محدوده هدف نگه‌دارند و به بهبود تخصیص منابع و کاهش نااطمینانی اقتصادی کمک کنند.
۳. از آنجایی که نرخ بهره و مصرف خصوصی در دوره مورد بررسی، اثر معناداری بر رشد اقتصادی نشان ندادند، بازنگری در ابزارهای سیاست پولی و مالی ضروری است. این امر شامل ارزیابی اثرگذاری سیاست‌های اعتباری، اصلاحات ساختاری و طراحی ترکیبی از سیاست‌های مالی و پولی برای تحریک رشد اقتصادی می‌شود، به‌گونه‌ای که آثار بلندمدت و کوتاه‌مدت سیاست‌ها تقویت گردد.

۸ فهرست منابع

1. Acemoglu, D. (2005). Constitutions, politics, and economics. In S. L. Engerman & K. L. Sokoloff (Eds.), *Institutional change and economic development* (pp. 72–100). United Nations University Press.
2. Aghion, P., & Howitt, P. (1992). A model of growth through creative destruction. *Econometrica*, 60 (2), 323–351.
<https://www.nber.org/papers/w3223>
3. Ahmed, E., et al. (2012). Inflation and growth in South Asia. *Pakistan Development Review*, 51(4), 695–716.
4. Ahmed, M., & Pulok, M. H. (2013). Inflation, investment and growth in Bangladesh. *Journal of Asian Economics*, 29, 71–81.
5. Ahmed, S., & Mortaza, M. (2010). Inflation and growth in Bangladesh. *Bangladesh Bank Working Paper*.
6. Akram, M., Hassan, S. S., Farhan, M., & Alam, H. M. (2011). Empirical analysis of determinants of economic growth: Evidence from SAARC countries. *Journal of Economics and Behavioral Studies*, 3(2), 115–121.
<https://doi.org/10.22610/jebis.v3i2.261>
7. Al Shams, T. M., & Ashraf, A. (2023). Macroeconomic indicators of economic growth using panel data: A study from South Asian countries. *ABC Research Alert*, 11(1). <https://doi.org/10.18034/ra.v11i1.646>
8. Barro, R. J. (1991). Economic growth in a cross section of countries. *Quarterly Journal of Economics*, 106(2), 407–443.
<https://doi.org/10.2307/2937943>
9. Barro, R. J. (1995). Inflation and economic growth. *Bank of England Quarterly Bulletin*, 35, 166–176.
10. Barro, R. J., & Sala-i-Martin, X. (2004). *Economic growth* (2nd ed.). MIT Press.
11. Carroll, C. D. (2001). A theory of the consumption function, with and without liquidity constraints. *Journal of Economic Perspectives*, 15(3), 23–45.
12. Daoui, S. (2023). Monetary policy and economic growth: A survey. *arXiv*. <https://arxiv.org/abs/2303.03162>
13. Fischer, S. (1993). The role of macroeconomic factors in growth. *Journal of Monetary Economics*, 32(3), 485–512.
[https://doi.org/10.1016/0304-3932\(93\)90027-D](https://doi.org/10.1016/0304-3932(93)90027-D)
14. Hameed, M. R., Batool, H., & Hussain, I. (2021). Dynamics of domestic debt and its implications on economic growth: Evidence from SAARC countries. *Journal of Peace, Development and Communication*, 4(03), 428–444. Retrieved from
<https://www.pdfpk.net/ojs/index.php/jpdc/article/view/114>
15. International Monetary Fund. (2025). IMF DataMapper: South Asia — GDP and economic indicators. Retrieved January 25, 2026, from <https://www.imf.org/external/datamapper/profile/SAQ>
16. Investopedia. (2013, December 12). GDP and its importance. Retrieved January 25, 2026, from

- <https://www.investopedia.com/articles/investing/121213/gdp-and-its-importance.asp>
17. Jui, F. N., Hossain, M. J., Das, A., Sultana, N., & Islam, M. K. (2024). Analyzing the impact of remittance, FDI and inflation rate on GDP: A comparative study of Bangladesh, Pakistan and Sri Lanka using VAR and BEKK GARCH approach. *Heliyon*, 10(11), e31381. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e31381>
 18. Keynes, J. M. (1936). *The general theory of employment, interest and money*. Macmillan.
 19. Mankiw, N. G. (2020). *Macroeconomics* (10th ed.). Macmillan Learning. <https://www.macmillanlearning.com/college/us/product/Macroeconomics/p/1319105998>
 20. Mankiw, N. G. (2020). *Macroeconomics* (11th ed.). Worth Publishers.
 21. Mishkin, F. S. (2018). *The economics of money, banking and financial markets* (12th ed.). Pearson.
 22. Ndubuisi, G. N. (2015). Interest rate channel of monetary policy transmission mechanisms: What do we know about it? <https://doi.org/10.2139/ssrn.2623036>
 23. Nguyen, T. H. (2025). Interest rates and economic growth: Evidence from Southeast Asia countries. *Economies*, 13(8), 244. <https://doi.org/10.3390/economies13080244>
 24. Sapkota, P. (2024). Monetary indicators and economic growth in SAARC countries. *Journal of Interdisciplinary Studies*, 13(1), 17–31. <https://doi.org/10.3126/jis.v13i1.73278>
 25. Siddik, M. N. A. (2023). Does macroeconomic stability promote economic growth? Some econometric evidence from SAARC countries. *Asian Journal of Economics and Banking*, 7(3), 358–379. <https://doi.org/10.1108/AJEB-05-2022-0052>
 26. Todaro, M. P., & Smith, S. C. (2020). *Economic development* (13th ed.). Pearson. <https://www.pearson.com/store/p/development-economics/P100000434987>
 27. Valentine, P., Rusiadi, R., & Nasution, L. N. (2024). The effect of interest rates, consumption, investment, and inflation on GDP in Indonesia. In *Proceedings of the International Conference on Epicentrum of Economic Global Framework (ICEEGLOF)* (pp. 217–229). Universitas Pembangunan Panca Budi. Retrieved from <https://proceeding.pancabudi.ac.id/index.php/ICEEGLOF/article/view/87>
 28. Woodford, M. (2003). *Interest and prices: Foundations of a theory of monetary policy*. Princeton University Press.
 29. Zahidur Rahman, S. M., & Ferdous Bristy, J. (2015). Macroeconomic impact of foreign direct investment: A study on SAARC countries. *European Journal of Business and Management*, 7(34), 1–12.